



رئیس‌جمهور قادر به مقابله با جریان ضدکرملین در هیئت حاکمه امریکا نیست

ریل‌گذاری تنش ترامپ با روسیه

۲۴ دورنما

دکتر سیدرضا میرطاهر

دولت جدید امریکا به ریاست دونالد ترامپ از زمان روی کار آمدن در اول بهمن (۲۰ ژانویه ۲۰۱۷) جنجال آفرینی‌های زیادی را موجب شده است. این جنجال‌ها ناشی از دو مسئله است. در وهله نخست ناشی از صدور فرمان اجرائی ترامپ که فقط در ۱۰ روز نخست کاری وی بیش از ۱۸ فرمان اجرائی را شامل شده و دارای ابعاد مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است و واکنش‌های مخالف گسترده‌ای را برانگیخته است. اما در بعد دیگری نیز دولت ترامپ با چالش‌ها و معضلات بزرگی مواجه شده است. یکی از موارد مهم آن بر کناری سالی ییتس کفیل وزارت دادگستری امریکا در پی صدور بیانیه‌ای از جانب وی مبنی بر غیرقانونی بودن فرمان اجرائی ممنوعیت ورود شهروندان هفت کشور مسلمان به این کشور بود. در عین حال گزارش‌های زیادی درباره برسرز اختلافات در تیم اجرائی ترامپ و اعضای کابینه‌وی وجود دارد. با این حال جدیدترین تحول در این زمینه شوک بزرگی در امریکا شده است. روز سه‌شنبه ۲۶ بهمن مایکل فلین مشاور امنیت ملی امریکا در اقدامی دور از انتظار صرفاً پس از گذشت ۲۴ روز از سمت خود استعفا کرد. فلین بعد از پذیرش گمراه کردن مقامات ارشد کاخ سفید، از جمله مایک پنس، معاون رئیس‌جمهوری امریکا، از یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین سمت‌های امنیتی در دولت این کشور کناره‌گیری کرد. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا از محتوای تماس تلفنی فلین با سرگنی کیسیلیاک سفیر روسیه در امریکا در دوران انتقال دولت به دونالد ترامپ مطلع شدند. این تماس در

همان روزی صورت گرفت که باراک اوباما رئیس‌جمهور وقت امریکا در واکنش به مسئله تهاجم سایبری روسیه و مداخله این کشور در فرایند انتخابات سال ۲۰۱۶ امریکا که از سوی افبی‌ای و سیا مورد تأیید گرفته، مسکو را مورد تحریم‌های بیشتر قرار داد و دستور اخراج ۳۵ دیپلمات این کشور را از امریکا صادر کرد. در آن هنگام فلین در تماس با سفیر روسیه در واشنگتن، به وی اطمینان داده بود که تحریم‌های وضع شده علیه‌مسکو در دوران ریاست جمهوری اوباما، در دولت بعدی امریکا بر چیده خواهد شد. چنین گفته و در واقع تعهدی از سوی عالی‌ترین مقام امنیت ملی امریکا، آن هم در ارتباط با روسیه، اقدامی مغایر با قوانین فدرال و مصداق نقض امنیت ملی امریکا عنوان شده است. در عین حال، وزارت دادگستری امریکا چند هفته پیش نیز هشدار داده بود که ممکن است فلین از سوی روس‌ها برای همکاری، تحت فشار قرار گرفته باشد. بدین ترتیب اکنون پس از کمتر از یک ماه، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، اصلی‌ترین دستیار امنیتی خود را در ارتباط با پرونده‌ای شبیه جاسوسی و همکاری‌های پشت پرده با یک دولت غیردوست، از دست داده است. این رویداد، آسیب سنگینی به ارتباط عمیق‌بین‌المللی فلین با سفیر روسیه، ترامپ وارد می‌کند. ترامپ از مدت‌ها پیش به اتهاماتی مانند همسویی با روسیه متهم شده بود. حتی هیلاری کلینتون، نامزد دموکرات‌ها در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶، در یکی از مناظره‌های انتخاباتی به اشاره به ترامپ اظهار داشته بود که مسکو خواستار یک رئیس‌جمهور در امریکاست که عروسک خیمه‌شهبازی روسیه باشد. همچنین ترامپ در جریان رقابت‌های

انتخاباتی امریکا، علاوه بر تحسین «پوتین» به عنوان یک رهبر قدرتمند در برابر اوباما، مواضع دوستانه در برابر روسیه را حتی به مسائل بین‌المللی کشاند و تعامل همراه با کاهش تنش بین واشنگتن و مسکو را سودمند خواند. در واقع برخی از اظهارات ترامپ در مبارزات انتخاباتی وی مبنی بر اینکه ممکن است ادعای مالکیت روسیه بر شبه‌جزیره کریمه را به رسمیت بشناسد، وعده‌وی برای پایان دادن به سیاست مداخله‌جویی و حمایت از رویکرد روسیه در قبال جنگ سوریه، برای مسکو خوشایند بود. ضمن اینکه روس‌ها آشکارا از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۶ ابراز خرسندی کردند. رئیس‌جمهور کنونی امریکا از ماه‌ها پیش از ورود به کاخ سفید وعده داده بود که اختلافات عمیق میان امریکا و روسیه را ترمیم خواهد کرد. ترامپ تا قبل از پیروزی، در جریان مبارزات انتخاباتی همواره بر کاهش تنش با روسیه و همکاری دو جانبه برای حل مسائل منطقه‌ای و جهانی تأکید می‌کرد. در واقع یکی از دستور کارهای اصلی ترامپ، ترمیم روابط امریکا و روسیه است که طی چند سال اخیر به‌خصوصی بعد از بحران اوکراین دچار تنش‌ها و اختلافات متعدد شده است. وجود این مسائل و شواهد در کنش اثبات رابطه پنهانی فلین با سفیر روسیه، رئیس‌جمهور امریکا را در دیگر اما این بار به صورت جدی در مظان اتهام سنگین همکاری با یک دولت غیردوست قرار خواهد داد. به ویژه اینکه مایکل فلین طرفدار صلح با روسیه است. در عین حال استعفا فلین نشان می‌دهد که جریان ضدروس در بین هیئت حاکمه امریکا یا ساختار مستقر Stablishment به قدری قوی و بانفوذ است که می‌تواند بالاترین مقام امنیتی دولت جدید امریکا

مرگ «تشکیل دو کشوری» در فلسطین

اعطای امتیازی وارد کرد که برخلاف قطعنامه‌های سازمان ملل و مذاکرات صلح طی نزدیک به ده سه گذشته مبنی بر خروج رژیم صهیونیستی از اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ هجده کرانه‌های نوار غزه در فلسطین و اراضی اشغالی جولان در سوریه بوده است. رویکردی که نتانیاهو، ترامپ را به اتخاذ آن وادار کرده، برخلاف مواضع اعلامی امریکا مبنی بر اجرای طرح تشکیل دو دولت در فلسطین است که تاکنون هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه خود را به اجرای آن متعهد می‌دانستند. در ست پنج روز پیش از آنکه دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور امریکا سوگند یاد کند، امریکا از جمله ۷۰ کشوری بود که این موضوع را در کنفرانس صلح پاریس تصویب کردند. یک ماه پیش از آن، نماینده امریکا در سازمان ملل با تصویب طرحی که شهرک‌سازی اسرائیل را مورد انتقاد قرار می‌دهد موافقت کرد بدون اینکه امریکا از حق وتوی خود استفاده کند. جان کری وزیر امور خارجه سابق امریکا در کنفرانس اسرائیل و امریکا در ماه دسامبر شهرک‌سازی اسرائیل را مانعی در برابر پیشبرد روند صلح خواند. در دوره ریاست جمهوری ترامپ، چنین دیدگاهی ناکارآمد به نظر می‌رسد و واشنگتن با رژیم نتانیاهو و هوادارانش در جناح راست که از شهرک‌سازی حمایت می‌کنند متحد شده است.



را کمتر از یک ماه بعد از تشکیل دولت، به زیر بکشد. همین جریان قدرتمند نیز پیش از این ترامپ را واداشت تا در برابر الحاق کریمه به روسیه موضعی متفاوت از گذشته اتخاذ کند. در دوران رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری امریکا، ترامپ تلویحا، این الحاق را پذیرفته بود. اما بعد از ورود به کاخ سفید، او اعلام کرد تا زمانی که روس‌ها در کریمه باقی بمانند، تحریم‌های وضع شده علیه روسیه در دولت اوباما ادامه خواهد یافت. روس‌ها در جدیدترین موضع‌گیری خود اعلام کر دند که روسیه هیچ‌گاه قصد ندارد تا دربارہ تمامیت ارضی خود با طرف‌های خارجی مذاکره کند. با توجه به وضعیت کنونی ترامپ، ناچار خواهد بود برای اثبات میهن پرستی خود به تحریم‌های روسیه ادامه دهد. طبیعتا استمرار تحریم‌های امریکا و اروپا علیه روسیه، امکان هر گونه آشتی میان مسکو و واشنگتن را بیش از پیش کاهش خواهد داد. همچنین استمرار سرگردمی و ابهام در رویکردهای سیاست خارجی و سیاست امنیتی دولت کنونی امریکا در پی کناره‌گیری مشاور امنیت ملی این کشور، از دیگر تبعات این رسوایی خواهد بود. در عین حال استعفا فلین، بر صحنه سیاست داخلی امریکا نیز تأثیر زیادی خواهد گذاشت. به نظر نمی‌رسد رقای سیاسی ترامپ در هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواهان قصد داشته باشند از موضوع جنجالی حملات سایبری روسیه به امریکا صرف نظر کنند. در حال حاضر تحقیقات و حزبی توسط کنگره امریکا در جریان است. شاید ادامه تحقیقات، پای مقامات دیگری از دولت ترامپ را به میان بکشد و آنان را نیز همچون فلین، وادار به استعفا نماید. با این حال برخی مقامات فعلی و سابق امریکا که خواستند نامشان فاش نشود در گفت‌وگو با نیویورک تایمز اعلام کردند که هیچ مدرکی دال بر همکاری استناد انتخاباتی ترامپ با روس‌ها را ی حک کردن یا تلاش‌های دیگر به منظور تأثیر گذاری روی انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیدا نکرده‌اند. در این میان اگر در ادامه این تحقیقات، از دونالد ترامپ نیز نامی برده شود، چه‌سا رئیس‌جمهور امریکا در مسیری قرار گیرد که نهایت آن، استیضاح خواهد بود. نباید فراموش کرد که رسوایی واگر تیت که به استعفا ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت امریکا انجامید، با افزایش اقدامات پنهانی بعضی از دستیاران کاخ سفید آغاز شد. اینکه افشای مذاکرات غیرقانونی فلین با روس‌ها، امریکا را با واگر تیت دیگری مواجه خواهد ساخت، به گذر زمان و روش ابعاد جدید این ماجرای بر سررسودا در آینده نیاز دارد. در عین حال شاهد آن هستیم که دونالد ترامپ از رابرت هاروارد، فرمانده سابق نیروهای امریکایی در عراق و افغانستان خواسته است مشاور امنیت ملی جدید امریکا شود که مرکز او بوده‌اند. ملازهی از طرف دیگر به‌واسطه امریکا با روس‌ها رارفت. حالا پیش‌نویس قانون اساسی سوریه در بر سرش‌نویس قانون اساسی و تبایل نظر دو طرف در گیر به علاوه توجه به دیدگاه کشورهای دخیل در موضوع، یک گام قابل توجه به سمت حل سیاسی بحران داعش می‌باشد. به این ترتیب، دیپلمات‌های روس توانسته‌اند در آستانه به‌همراه همتایان ایرانی و ترکیه‌ای خود نه تنها دستوراد برقراری طولانی‌مدت‌ترین آتش‌بس را تثبیت کنند بلکه گام جدی‌ای به سمت موضوع اصلی سیاسی مورد مجادله بر دارند.

حل طولانی ترین جنگ

اگر خشونت و خسارت‌های جنگ سوریه در رسانه‌های جهانی و البته با توجه به اهداف سیاسی تبلیغ می‌شود، بی‌شک جنگ داخلی افغانستان نه تنها خشونت و خسارتی کمتر از آن نداشته بلکه با بیش از یک دهه و نیم، این جنگ مبدل به غذای چرکین در منطقه شده است. روس‌ها مدتی است که توجه خاصی به این موضوع پیدا کرده‌اند به خصوص اینکه ظهور پدیده داعش و رد پای این گروه در شمال افغانستان موجب نگرانی‌های جدی در محورهای سیاسی جبهت داعش می‌شود. به این ترتیب، روسیه شده بود. ضمیر کابلوف، نماینده رئیس‌جمهور روسیه در افغانستان، سال گذشته بود که اعلام کرد کوشش برای مبارزه با داعش در افغانستان در تماس است. در واقع، مسکو روند رشد داعش در افغانستان را امری طبیعی نمی‌داند و این نگرش مسکو با توجه به افشاشی‌های حاجی ظاهر قدیر، معاون اول مجلس ملی افغانستان، تأیید می‌شود که در مورد جبهه‌های نیروهای جبهت داعش توسط هوایم‌های خارجی و همکاری نزدیک نیروهای خارجی با این گروه و حتی ایجاد امکاناتی در کابل برای فرماندهان این گروه بود. پیرمحمد ملازهی، کارشناس مسائل افغانستان، با توجه به همین موضوع است که نگرانی‌های مسکو بابت رشد داعش را طبیعی می‌داند به خصوص اینکه برخی از فرماندهان موفق داعشی در افغانستان جزو نیروهای چپنی با از شهروندان آسیای می‌کرزی بوده‌اند. ملازهی از طرف دیگر به خط مشی طالبان اشاره می‌کند که خود را یک گروه افغانی می‌داند اما داعش خلافت اسلامی خود را تنها محدود به این کشور ندانسته و به‌طور مشخص کشورهای آسیای می‌کرزی و جنوب روسیه را جزو اهداف خود برمی‌شمرد. مجموع این مسائل باعث شده تا ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، توجه خاصی به جنگ طالبان کند و بعد از یک حاشیه‌نشینی طولانی مدت، از یک سال قبل به این سو نقش فعالی را به عهده گرفته و کابلوف و دیگر دیپلمات‌های خود را مأمور کشاندن دولت و طالبان به سمت مذاکره کند. نتیجه این مأموریت یک نشست مقاماتی سه‌جانبه و یک نشست اصلی شش جانبه بوده است و به نظر می‌رسد که مسکو در این جهت مسیری مشابه آستانه و جنگ سوریه را دنبال می‌کند. این مسیر در وهله نخست عبارت از یک غربالگری بین جناح‌های تندرو و میانه‌روی طالبان است تا دست کم کربخشی قابل توجهی از این گروه با تغییر هویت نظامی به سیاسی وارد فرایندی از مشارکت سیاسی با دولت افغانستان بشود.

گفت‌وگوی کردها

نخست جهانی کردها در ظاهر از سوی سازمان‌های مدنی، مطبوعاتی و روشنفکری کرد در سوریه برگزار می‌شود و مار یا زارخوارو، وزارت خارجه روسیه هم گفته که از این نشست خبری ندارد ووزارت خارجه روسیه هم در این نشست مشارکتی نخواهد داشت. باوجوداین، نمی‌توان بر گزاری چنین نشستنی با ابعاد آن هم بر سر یک مسئله حساس منطقه‌ای بدون حمایت و تحت نظر دستگاه دیپلماسی روسیه دانست و به همین جهت هم بر گزاری آن را باید به عنوان سومین پرونده‌ای در نظر گرفت که در این دستگاه مورد بررسی قرار بگیرد. به نظر می‌رسد که مسئله اصلی این نشست بر محور جنگ سوریه و نقش نیروهای کرد در آن باشد که باید در کنار آن به وجهی کلی تر هم توجه کرد که عبارت از نقش کردهای ترکیه در منطقه باشد. مسکو به دلیل فشار ترکیه قبول کرده که نماینده‌ای از کردهای سوریه در آستانه نباشد چرا که آنکارا کردهای سوریه را تابعی از کردهای آشورش به خصوص حزب کارگران کردستان ترکیه، پ‌ک‌ک، می‌داند که با آن از جنگ است. حالا محسوس می‌کند بانسشت مسکودست کم به‌صورت حاشیه‌ای هم که شده کردهای سوریه را در محور سیاسی بحران حفظ کند تا وجهه سیاسی آن حفظ شود و به امریکاجازه ندهد تنها از وجهه نظامی‌اش برای اهداف خاصی خود بهره‌برداری بکند. علاوه بر این، برخی از تحلیلگران بر گزاری این نشست را در جهت سیاست مسکوبرای میانجی‌گیری بین سوریه با کردهای این کشور می‌دانند.سیاستی که سوی سر لاوروف، وزیر خارجه روسیه، همین یک هفته قبل بر آن تأکید داشت در واقع، مسکو با این نشست فضای سیاسی برای کردهای سوریه ایجاد می‌کند تا پایگاه آنها در روسیه حفظ شود و به‌مشارکت در این سیاست مسکو ترغیب بشوند.

مختصات پرونده‌های سه‌گانه

بررسی این سه پرونده نشان می‌دهد که مسکو در وهله نخست و به‌طور عمده کاهش تنش و رسیدن دو جنگ داخلی افغانستان و سوریه به مر حلای آن سازش و حتی صلح بین طرف‌های درگیر را در نظر دارد. به عبارت دیگر، روسیه متوجه شده که ادامه این دو جنگ نه تنها تنش را عمیق تر می‌کند بلکه به نحوی منجر به گسترش بحران ابعاد هر دو جنگ شده که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم امنیت و منافع ملی‌اش مورد تهدید قرار گرفته است. از این رو است که روس به‌مقتاعد شده‌اند تا برای برطرف کردن این تهدید ابتکار عمل را به دست بگیرند. روس‌ها در صورت موفقیت نه تنها این تهدید را از امنیت و منافع ملی خود بر طرف می‌کنند بلکه نسبت به گذشته نقش و جایگاهی بر جسته به دست می‌آورند که می‌توانند هم تعامل خود با کشورهای منطقه و هم نوع رقابت با قدرت‌های بین‌الملل را بر اتکای این نقش و جایگاه تعریف کنند. نحوه عمل روس‌ها هر سه پرونده یک مشابهت چشمگیر دارد که عبارت است از دور نگه‌داشتن رقبای غربی از اصل روند مذاکرات است چنانکه این رقبا حضوری در نشست مربوط به افغانستان ندارند و در مورد آستانه هم حضور امریکا در حد یک ناظر است. علاوه بر این، میانجی‌گری روس‌ها بین دولت و کردهای سوریه در اصل به معنای کاستن نفوذ امریکایی‌ها بر کردهای سوریه است که نشست کردها در مسکو هم در این جهت بر گزار می‌شود. وجه مشابه دیگر در مراحل گام به گام مذاکرات است به نحوی که در هر سه پرونده، گام نخست عبارت از شناسایی و به رسمیت شناختن مسئله اصلی از سوی طرف‌ها و در گام‌های بعدی نقش‌های تدریجی است که در هر سه پرونده برای پیشبرد مذاکرات به عهده می‌گیرد. بنابر این، روس‌ها انتظار ندارند که در هر دور مذاکره پیشرفت قابل توجهی دیده‌بشود بلکه انتظار آنها این است که حداقل پیشرفت متکی بر چنان توافق و تفاهمی باشد که بتواند پایه حداقل پیشرفت بعد باشد و به این ترتیب، مسیری قابل اعتماد برای پیشبرد مذاکرات به وجود بیاید. حالا باید دید که دیپلمات‌های روس تا چه میزان توان ادامه این مسیر را دارند و تا چه حد آمادگی مقابله با کارشکنی رقبای غربی را دارند که مترصد اندک فرصت برای شکست مسکو در این پرونده‌ها هستند.

تجربه مدیریت روسیه در سوریه، افغانستان و کردها

کرملین در مسیر راه‌حل‌های غیر غربی بحران‌های منطقه

رویکرد

دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم زاده

دیپلمات‌های روس این روزها یکی از پر مشغله‌ترین دوران کاری خود را می‌گذرانند که جدا از موضوعات سنگینی مثل دست و پنجه نرم کردن با رقبای غربی بر سر تحریم‌ها یا مشکلات اوکراین، دست کم سه پرونده مهم منطقه‌ای را هم به دست گرفته‌اند. اولین پرونده جنگ سوریه است که نخستین نشست مربوط به آن در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه، ۲۲ و ۲۳ ژانویه و در شهر آستانه، پایتخت قزاقستان، بر گزار شد و حالا هم سومین دور آن در همین شهر در حال برگزاری است. دیپلمات‌های روس به همراه همتایان ایرانی و ترکیه‌ای خود یکی از باتیان اصلی این سلسله نشست‌ها هستند که سعی می‌کنند مسائل و مشکلات پرونده را به همراه دیگر همتایان و میزبان نشست، یک به یک حل و فصل کنند. پرونده افغانستان و جنگ طولانی مدت طالبان با دولت این کشور پرونده دیگری است که دیپلمات‌های روس در این روزها به‌طور جدی به دست گرفته‌اند. نشست نخست این پرونده در ماه دسامبر گذشته و به صورت سه‌جانبه بر گزار شد که جدا از روسیه به عنوان میزبان، نمایندگان کشورهای چین و پاکستان نیز در آن شرکت داشتند و دومین نشست به صورت شش جانبه و با اضافه شدن نمایندگان از افغانستان، ایران و هند در روز چهارشنبه، ۱۵ فوریه، در مسکو بر گزار شد. پرونده سوم با این دو پرونده تفاوت‌صوری قابل توجهی دارد که نشست مربوط به آن تحت نام «نشست جهانی کردها» در همین روز چهارشنبه بر گزار شد. این سه پرونده نشان می‌دهد که دیپلمات‌های روس برنامه و اهداف گسترده‌ای برای حل و فصل دو بحران سیاسی، نظامی و امنیتی در خاورمیانه مدنظر دارند که نتیجه کار آنها می‌تواند در حد یک بازخوانی قابل توجه در این موضوعات باشد.

آستانه به‌سوی صلح

بی‌شک هدف از سه نشست آستانه سوق دادن بحران و جنگ سوریه به سمت حل و فصل سیاسی این بحران است تا از این طریق حل‌هی پایدار بعد از شش سال جنگ خاندان‌سور به دست بیاید. هر چند که رسیدن به صلح در شرایط فعلی بسیار سخت به نظر می‌رسد اما نشستن دو طرف دولت و مخالفان زیر یک سقف در نخستین نشست آستانه خود به خود یک دستاورد قابل توجه به حساب آمد. باید توجه داشت که دو طرف در مذاکرات صلح سه سال قبل مشهور به ژنو تا یک قدمی نشست رو در رو پیش رفتند اما هم اختلاف‌ها انقدر زیاد بود و هم توانایی و نفوذ اخضر ابراهیمی، نماینده وقت سازمان ملل در جنگ سوریه انقدر ضعیف بود که قدم آخر بر داشته نشد و چنین نشستنی اتفاق نیفتاد پس، نشست آستانه در گام نخست خود یک موفقیت نمدان این ماهم در پی داشت. نگاهی کوتاه به نشست‌های دوم و سوم آستانه نشان می‌دهد که برنامه پیشبرد گام به گام مذاکرات تا اینجا کار آن نتیجه‌بخش بوده است. آتش‌بسی که در روز ۳۰ دسامبر گذشته بین نیروهای دولت و متحداشش با مخالفان برقرار شده بود طی نخستین و دومین نشست موضوع محوری بحث بود تا مکتبیس‌های مشخص و کاربردی برای رعایت آن تبیین شود و همین هم باعث شده که این آتش‌بس به عنوان طولانی‌ترین آتش‌بس، بیش از یک ماه و نیم، موفقیت عمده و قابل توجهی طی شش سال از جنگ سوریه باشد. حالا پیش‌نویس قانون اساسی سوریه در بر سرش‌نویس قانون اساسی و تبایل نظر دو طرف در گیر به علاوه توجه به دیدگاه کشورهای دخیل در موضوع، یک گام قابل توجه به سمت حل سیاسی بحران داعش می‌باشد. به این ترتیب، دیپلمات‌های روس توانسته‌اند در آستانه به‌همراه همتایان ایرانی و ترکیه‌ای خود نه تنها دستوراد برقراری طولانی‌مدت‌ترین آتش‌بس را تثبیت کنند بلکه گام جدی‌ای به سمت موضوع اصلی سیاسی مورد مجادله بر دارند.

حل طولانی ترین جنگ

اگر خشونت و خسارت‌های جنگ سوریه در رسانه‌های جهانی و البته با توجه به اهداف سیاسی تبلیغ می‌شود، بی‌شک جنگ داخلی افغانستان نه تنها خشونت و خسارتی کمتر از آن نداشته بلکه با بیش از یک دهه و نیم، این جنگ مبدل به غذای چرکین در منطقه شده است. روس‌ها مدتی است که توجه خاصی به این موضوع پیدا کرده‌اند به خصوص اینکه ظهور پدیده داعش و رد پای این گروه در شمال افغانستان موجب نگرانی‌های جدی در محورهای سیاسی جبهت داعش می‌شود. به این ترتیب، روسیه شده بود. ضمیر کابلوف، نماینده رئیس‌جمهور روسیه در افغانستان، سال گذشته بود که اعلام کرد کوشش برای مبارزه با داعش در افغانستان در تماس است. در واقع، مسکو روند رشد داعش در افغانستان را امری طبیعی نمی‌داند و این نگرش مسکو با توجه به افشاشی‌های حاجی ظاهر قدیر، معاون اول مجلس ملی افغانستان، تأیید می‌شود که در مورد جبهه‌های نیروهای جبهت داعش توسط هوایم‌های خارجی و همکاری نزدیک نیروهای خارجی با این گروه و حتی ایجاد امکاناتی در کابل برای فرماندهان این گروه بود. پیرمحمد ملازهی، کارشناس مسائل افغانستان، با توجه به همین موضوع است که نگرانی‌های مسکو بابت رشد داعش را طبیعی می‌داند به خصوص اینکه برخی از فرماندهان موفق داعشی در افغانستان جزو نیروهای چپنی با از شهروندان آسیای می‌کرزی بوده‌اند. ملازهی از طرف دیگر به خط مشی طالبان اشاره می‌کند که خود را یک گروه افغانی می‌داند اما داعش خلافت اسلامی خود را تنها محدود به این کشور ندانسته و به‌طور مشخص کشورهای آسیای می‌کرزی و جنوب روسیه را جزو اهداف خود برمی‌شمرد. مجموع این مسائل باعث شده تا ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، توجه خاصی به جنگ طالبان کند و بعد از یک حاشیه‌نشینی طولانی مدت، از یک سال قبل به این سو نقش فعالی را به عهده گرفته و کابلوف و دیگر دیپلمات‌های خود را مأمور کشاندن دولت و طالبان به سمت مذاکره کند. نتیجه این مأموریت یک نشست مقاماتی سه‌جانبه و یک نشست اصلی شش جانبه بوده است و به نظر می‌رسد که مسکو در این جهت مسیری مشابه آستانه و جنگ سوریه را دنبال می‌کند. این مسیر در وهله نخست عبارت از یک غربالگری بین جناح‌های تندرو و میانه‌روی طالبان است تا دست کم کربخشی قابل توجهی از این گروه با تغییر هویت نظامی به سیاسی وارد فرایندی از مشارکت سیاسی با دولت افغانستان بشود.

گفت‌وگوی کردها

نخست جهانی کردها در ظاهر از سوی سازمان‌های مدنی، مطبوعاتی و روشنفکری کرد در سوریه برگزار می‌شود و مار یا زارخوارو، وزارت خارجه روسیه هم گفته که از این نشست خبری ندارد ووزارت خارجه روسیه هم در این نشست مشارکتی نخواهد داشت. باوجوداین، نمی‌توان بر گزاری چنین نشستنی با ابعاد آن هم بر سر یک مسئله حساس منطقه‌ای بدون حمایت و تحت نظر دستگاه دیپلماسی روسیه دانست و به همین جهت هم بر گزاری آن را باید به عنوان سومین پرونده‌ای در نظر گرفت که در این دستگاه مورد بررسی قرار بگیرد. به نظر می‌رسد که مسئله اصلی این نشست بر محور جنگ سوریه و نقش نیروهای کرد در آن باشد که باید در کنار آن به وجهی کلی تر هم توجه کرد که عبارت از نقش کردهای ترکیه در منطقه باشد. مسکو به دلیل فشار ترکیه قبول کرده که نماینده‌ای از کردهای سوریه در آستانه نباشد چرا که آنکارا کردهای سوریه را تابعی از کردهای آشورش به خصوص حزب کارگران کردستان ترکیه، پ‌ک‌ک، می‌داند که با آن از جنگ است. حالا محسوس می‌کند بانسشت مسکودست کم به‌صورت حاشیه‌ای هم که شده کردهای سوریه را در محور سیاسی بحران حفظ کند تا وجهه سیاسی آن حفظ شود و به امریکاجازه ندهد تنها از وجهه نظامی‌اش برای اهداف خاصی خود بهره‌برداری بکند. علاوه بر این، برخی از تحلیلگران بر گزاری این نشست را در جهت سیاست مسکوبرای میانجی‌گیری بین سوریه با کردهای این کشور می‌دانند.سیاستی که سوی سر لاوروف، وزیر خارجه روسیه، همین یک هفته قبل بر آن تأکید داشت در واقع، مسکو با این نشست فضای سیاسی برای کردهای سوریه ایجاد می‌کند تا پایگاه آنها در روسیه حفظ شود و به‌مشارکت در این سیاست مسکو ترغیب بشوند.

مختصات پرونده‌های سه‌گانه

بررسی این سه پرونده نشان می‌دهد که مسکو در وهله نخست و به‌طور عمده کاهش تنش و رسیدن دو جنگ داخلی افغانستان و سوریه به مر حلای آن سازش و حتی صلح بین طرف‌های درگیر را در نظر دارد. به عبارت دیگر، روسیه متوجه شده که ادامه این دو جنگ نه تنها تنش را عمیق تر می‌کند بلکه به نحوی منجر به گسترش بحران ابعاد هر دو جنگ شده که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم امنیت و منافع ملی‌اش مورد تهدید قرار گرفته است. از این رو است که روس به‌مقتاعد شده‌اند تا برای برطرف کردن این تهدید ابتکار عمل را به دست بگیرند. روس‌ها در صورت موفقیت نه تنها این تهدید را از امنیت و منافع ملی خود بر طرف می‌کنند بلکه نسبت به گذشته نقش و جایگاهی بر جسته به دست می‌آورند که می‌توانند هم تعامل خود با کشورهای منطقه و هم نوع رقابت با قدرت‌های بین‌الملل را بر اتکای این نقش و جایگاه تعریف کنند. نحوه عمل روس‌ها هر سه پرونده یک مشابهت چشمگیر دارد که عبارت است از دور نگه‌داشتن رقبای غربی از اصل روند مذاکرات است چنانکه این رقبا حضوری در نشست مربوط به افغانستان ندارند و در مورد آستانه هم حضور امریکا در حد یک ناظر است. علاوه بر این، میانجی‌گری روس‌ها بین دولت و کردهای سوریه در اصل به معنای کاستن نفوذ امریکایی‌ها بر کردهای سوریه است که نشست کردها در مسکو هم در این جهت بر گزار می‌شود. وجه مشابه دیگر در مراحل گام به گام مذاکرات است به نحوی که در هر سه پرونده، گام نخست عبارت از شناسایی و به رسمیت شناختن مسئله اصلی از سوی طرف‌ها و در گام‌های بعدی نقش‌های تدریجی است که در هر سه پرونده برای پیشبرد مذاکرات به عهده می‌گیرد. بنابر این، روس‌ها انتظار ندارند که در هر دور مذاکره پیشرفت قابل توجهی دیده‌بشود بلکه انتظار آنها این است که حداقل پیشرفت متکی بر چنان توافق و تفاهمی باشد که بتواند پایه حداقل پیشرفت بعد باشد و به این ترتیب، مسیری قابل اعتماد برای پیشبرد مذاکرات به وجود بیاید. حالا باید دید که دیپلمات‌های روس تا چه میزان توان ادامه این مسیر را دارند و تا چه حد آمادگی مقابله با کارشکنی رقبای غربی را دارند که مترصد اندک فرصت برای شکست مسکو در این پرونده‌ها هستند.